

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بررسی تکنیکهای طنز در رمان «آبناات هل دار» مهرداد صدقی

۱- زهره زاهدی احمدسرانی

۱- معاون آموزشی دبستان امام جعفر صادق (۱) اداره آموزش و پرورش ناحیه یک رشت و فارغ التحصیل

کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور رشت

Saminkol1234@gmail.com

چکیده

اگر نیم‌گاهی به تاریخ ادبی ایران بیندازیم متوجه خواهیم شد که بهره‌گیری از طنز و بکار بستن تکنیک‌های طنز، از گذشته‌های دور وجود داشته و در جای جای تاریخ این امر به چشم می‌خورد. به صراحت می‌توان گفت داستان‌نویسان بیشترین استفاده را از این مقوله داشته و همچنین از برجسته‌ترین و به یاد ماندنی‌ترین اتفاقاتی که در عرصه ادبیات و زبان فارسی رخ داده است ورود طنز به حیطه دفاع مقدس و زیر شاخه‌های گوناگون آن می‌باشد. یکی از مشهورترین و نامی‌ترین نویسندگان این نوع از ادبیات داستانی، مهرداد صدقی نویسنده جوانی است که تاکنون هشت کتاب طنز را در کارنامه خود به ثبت رسانده است و ما قصد داریم در این مقاله یکی از این هشت اثر (آبناات هل دار) را از منظر شگردهای طنز نویسی تحت بررسی قرار دهیم. در این راستا نخست به شناخت و دسته‌بندی همه تکنیک‌های طنز آفرینی می‌پردازیم و سپس این تکنیک‌ها را در اثر «آبناات هل دار» تحت مقایسه و بررسی قرار می‌دهیم. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن می‌باشد که در این رمان همه تکنیک‌های طنز آفرینی را مورد استفاده قرار داده است و در تقسیم‌بندی تکنیک‌ها، رویکرد اثر بیشتر به سمت شگردهای دسته دوم یعنی تکنیک‌های مبتنی بر محتوای زبان متمایل گردیده است و فراوانی آن شگردها در این زمینه بیشتر بوده است و به صورت جزئی تر و دقیقتر میتوان این گونه نتیجه گرفت که شگردهای شخصیت محور از زیر شاخص‌های تکنیک‌های مبتنی بر محتوای زبان خیلی قویتر و با قدرت بیشتر در زمان پدیدار گشته‌اند. قهرمان کتاب آبناات پسته‌ای، همان محسن کتاب آبناات هل دار می‌باشد ولی با این تفاوت که کمی بزرگتر و با تجربه‌تر شده؛ البته با اینکه بزرگتر شده اما عاقل تر نشده! آبناات پسته‌ای با زبانی طنزآمیز روایتگر قصه‌های شیرین روزهای نوجوانی محسن است. در خلال بیان روند داستان آب نبات پسته‌ای برخی از رویدادهای مهم تاریخی بین سالهای ۷۰ تا ۷۲ روایت می‌شود و تاثیر این رویدادها بر زندگی خانواده محسن و همسایگان آنها که همگی ساکن کوچه سیدی شهر بجنورد هستند مشاهده می‌شود؛ از حمله صدام به کویت گرفته تا تخریب دیوار برلین و تجزیه شوروی و المپیک بارسلون و انتخابات مجلس چهارم و

واژه‌های کلیدی: طنز، تکنیک ادبیات، پایداری، رمان و آبناات هل دار.

۱. مقدمه

خاطره بازی از جمله سرگرمی‌های لذت بخشی است که در کسری از ثانیه ما را به روزها و حتی سالهای دور پرتاب می‌کند. در بین دهه‌های اخیر دهه شصت مشخصه‌های خاطره انگیزتری دارد. از این رو افراد زیادی برای تولید محتوای سرگرم کننده و طنز به سراغ این دهه می‌روند. سه عنوان از کتاب‌های مهرداد صدقی با نام‌های آبناات هل دار، آبناات دارچینی و آبناات پسته‌ای از خاطره‌بازی با دهه‌های اخیر، به ویژه دهه شصت بهره گرفته‌اند (حری ۱۳۸۷).

از مجموعه داستانهای کوتاه ممتد همراه با طینینی از فضای نوستالژیک قدیم، می‌توان به کتاب آب نبات پسته‌ای اثر مهرداد صدقی اشاره نمود. صدقی که نویسنده‌ای اهل بجنورد بوده و انتشار داستان را از دوران دانشجویی آغاز نموده است، کتاب آب

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نبات پسته‌ای را با درون مایه‌ی طنز در فضای محل زندگی خود یعنی بجنورد به رشته‌ی تحریر در آورده است. بسیاری از خوانندگان نام مهرداد صدقی را با کتاب آب نبات هل‌دار به خاطر می‌آورند که در واقع آب نبات پسته‌ای در ادامه‌ی روایت‌های کتاب قبلی و اتمام جنگ و آغاز دهه‌ی هفتاد شمسی است (اسدی پور، صلاحی ۱۳۷۶).

کتاب آب‌نبات هل‌دار، نوشته مهرداد صدقی به زبان فارسی انتشارات سوره مهر در تاریخ ۱۳۹۵ با تعداد ۴۱۱ صفحه داستان طنزی است از زبان یک کودک بجنوردی؛ برادر این کودک قرار است به جبهه برود. محسن، راوی داستان فرزند آخر یک خانواده ۵ نفری است. آنها همراه مادر بزرگ‌شان بی‌بی در یکی از محله‌های قدیم بجنورد زندگی می‌کنند. فضای داستان سرتاسر ماجراهای خنده‌دار و حیرت‌آور است؛ ماجراهایی که محسن آنها را ایجاد می‌کند. این کتاب برای کسانی که از روزگار دهه ۱۳۶۰ خاطرات نوستالژیک دارند برای نسل امروز هم که دوست‌دار موقعیت‌های طنزاند، حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. او برادری به نام محمد و خواهری به نام ملیحه دارد. محسن که نقش راوی داستان را دارد از کم و کیف زندگی خودشان در دوران جنگ تحمیلی می‌گوید. برادرش محمد که فعال بسیجی است خانواده را راضی می‌کند تا به جبهه برود. او در یکی از عملیات‌ها به اسارت گرفته می‌شود و گرچه حضور فیزیکی در داستان ندارد اما محور اصلی داستان ماجراهای رخ داده در طی رمان است. با شرایط پیش آمده و اسارت محمد، محسن تلاش می‌کند دیگر آن بچه‌ی مردم آزار و کج رفتار نباشد. او با همت و کوششی که سخت از وی بعید است، خود را به رتبه‌های بالای تحصیلی می‌رساند به گونه‌ای که مایه‌ی تعجب همه می‌شود. قبولی ملیحه در دانشگاه نیز دلیل دیگری است تا محسن بیشتر از پیش به درس و مدرسه اهمیت بدهد. سرانجام با امضای قطع نامه و پایان جنگ خبر آزادی اسرا و بازگشت آنان همگان را به وجد می‌آورد. محمد باز می‌گردد و پس از سال‌ها، فرزند نادیده‌ی خود را به آغوش می‌کشد در حالی که یک پای خود را در منطقه جا گذاشته است (اصلانی، ۱۳۸۵).

محسن، قهرمان داستان، از روزگاری می‌گوید که مردم با مسائل ساده شادی‌های بزرگی می‌آفرینند، مثل اولین تجربه رفتن به سینما دیدن اولین تلویزیون رنگی؛ تجربه حضور نخستین خوراکی‌های لوکس در خانه مردم. انجام دادن کارهای ساده برای محسن به ماجراجویی‌هایی تبدیل می‌شود که کمتر از هفت خان رستم نیست، کارهایی مثل رفتن به مدرسه و پخش آس نذری یا پخش کارت عروسی برای محسن ماجراهایی را رقم می‌زند که هر یک برای خواننده کتاب دنیایی است پر از خنده و نشاط. خلاصه اینکه برای کسانی که دوست‌دار یادآوری روزهای پرخاطره همراه با خندیدن‌اند این کتاب حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد (اکرمی پیشوایی، ۱۳۸۹).

آب نبات پسته‌ای یک رمان مناسب برای گروه سنی نوجوانان می‌باشد که به بهترین شکل مخاطب را در مواجهه با داستان-هایش درگیر ساخته و گاهی به بحث در خصوص چالش‌های گوناگون دعوت می‌نماید. این کتاب نمونه بی‌نظیری از طنز شیرین می‌باشد که مخاطب را با خود همراه ساخته و سبب شکوفایی غنچه لبخند بر لبانش می‌شود (برگسون، ۱۳۷۹). برای مثال آرایشگر چنان موهایم را ماشین می‌کرد که انگار در دید او لذتی که در کچل کردن دیگران هست، در انتقام گرفتن نیست. کارش که تمام شد به این نتیجه رسیدم که متاسفانه جمجمه بچه حلال‌زاده به دایبی‌اش می‌رود. احساس کردم این آه دایبی است که مرا گرفته! به «دامبو» شدن او خندیدم؛ اما حالا خودم شبیه «جیمبو» شده بودم. احتمالاً موقع عروسی ملیحه قوم و خویش‌های طرف داماد با دیدن من و دایبی فکر می‌کنند با دار و دسته نخستین‌ها وصلت کرده‌اند (بهرهمند، ۱۳۸۹).

این شاعر با اشاره به این که رمان «آب‌نبات هل‌دار» به نوبه خود یک کار ملی می‌باشد، بیان داشته است: شخص طنز پرداز به راحتی قادر نمی‌باشد در کشوری که انواع و اقسام فرهنگ‌ها و تفکرات و دیدگاه‌ها وجود دارد، بدون اطلاع از قوانین به طنزنویسی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آن هم به بهترین شکل اقدام کند. زیرا طنز نوشتن در کشور ما به دلیل تفاوت‌های موجود در فرهنگ‌ها، قومیت‌ها و آداب و رسوم کاری دشوار و سخت می‌باشد (کریچلی، ۱۳۸۴).

هر چند که همین سختی‌ها موجب بروز شکوفایی بیشتر می‌گردند. وی یادآور شده است نادیده گرفتن این دشواری‌ها نشانه توانمندی و استعداد خاص فرد در نوشتن می‌باشد و من معتقدم این سختی‌ها به طنزپرداز ابزار بهتر نوشتن را ارائه دهد. در واقع معیارها در هر رسانه و شرایطی با یکدیگر متفاوت می‌باشد و ما در فرهنگی متفاوت از سایر کشورها زندگی می‌کنیم و امکان دارد مسائلی که برای ما ارزشمند می‌باشد برای آنها امری عادی تلقی می‌گردد. بنابراین باید جدای از سیاست‌های موجود وجود این تفاوت‌ها را به خوبی درک کرده و تلقی می‌پذیرفت و دانست برخی مسائل با فرهنگ ما هیچ گونه سختی ندارد (اندوهجردی، شاد محمدی ۱۳۹۰)

با بررسی عمیق‌تر رمان می‌توان بیان داشت که این رمان به جهت بلند بودن به طور حتم می‌تواند ایرادهای بزرگ نیز به همراه داشته باشد و نقدها هم جدیتر باشد. پس مهمترین اصل این است که بایستی نویسنده این رمان نقدپذیر باشد در واقع وقتی کار جدی است باید جدی برخورد و نقد کرد ولی باز هم این مسائل به اعتبار نویسنده و اثرش لطمه نمیزند. نثر روان و خوشایند، کاربرد مناسب واژگان، توجه به فرهنگ عامه بجنورد از جمله لهجه، غذاها لباس‌ها در این کتاب کاملاً جذاب و دلنشین است. همچنین نقد اجتماعی که در داستان به کار برده شده فوق‌العاده ارزشمند و دارای اهمیت می‌باشد و این مورد به خودی خود به داستان، زیبایی و گیرایی بیشتر داده است (جابری، حسینی ۱۳۹۴).

در ادامه می‌توان بیان داشت که خلق راوی قوی، در این کتاب که در جای جای آن حس می‌شود به داستان قوت بخشیده است و بکارگیری این امر بسیار مهارت می‌خواهد. یکی دیگر از موضوعاتی که طی بررسی این رمان به چشم می‌خورد راوی در این کتاب خیلی پرحرفی نموده است و در این راستا گاهی دچار قضاوت و پیش داوری گردیده است و بنظر می‌رسد که همذات پنداری با این روای کمی سخت می‌باشد (حسینی ۱۳۹۱). در خصوص این که طرح جلد ویرتین یک کتاب است، می‌توان بیان داشت: متأسفانه طرح جلد کتاب مخاطب را جذب نمی‌کند و عنوان داستان با موضوع آن همخوانی ندارد. از دیگر معایب می‌توان کم رنگ بودن نقش مخاطب، نبود صمیمیت بین راوی و مخاطب، هماهنگ نبودن سن راوی با گفتارش و عدم فضا سازی مناسب را می‌توان یادآور شد. در واقع می‌توان اظهار داشت که در این کتاب احساس می‌شود که نویسنده سعی بر آن دارد تا خاطرات کودکی‌اش را بیان کند (توکلی ۱۳۹۵).

۲. بحث اصلی

همانطور که مشخص است به کار بردن لهجه و یا آداب و رسوم در این کتاب باور و بر اعتقادات و فرهنگ مردم بجنورد اضافه نمی‌کند و به دلیل این که همه مردم کشور با لهجه بجنوردی آشنا نیستند نیاز به یک فنوتیک خاص دارد. در واقع می‌توان برخی از این نکات و اظهار نظرات را قبول نمود ولی از آنجایی که امکان دارد برخی افراد منتقد فرق داستان و داستان طنز را نمی‌دانند، پس نمی‌توان برخی نقدها را پذیرفت (حسام پور، ۱۳۹۰).

در خصوص زیاد بودن حجم کتاب نیز می‌توان اظهار داشت که این تعمد نویسنده بوده که برای مخاطب انتظار ایجاد کند تا برای برگشتن محسن از اسارت تا پایان کتاب را مطالعه کنند. گفتنی است، کتاب «آبناات هل‌دار» نوشته مهرداد صدقی از نویسندگان استان با موضوع دفاع مقدس می‌باشد که این مجموعه سال‌های دوران دفاع مقدس تا بازگشت آزادگان را از نگاه یک کودک بجنوردی روایت می‌کند و این کتاب علاوه بر پرداختن به مسائل تاریخی و اجتماعی دفاع مقدس، با زبان طنز نگاهی نیز به جغرافیای بومی و محلی بجنورد دارد (دهقانیان و خاوری ۱۳۹۰).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

وی طی مصاحبه‌هایی اظهار داشته است: اصلا «آرزویم این است که اگر خدای ناکرده کسی دماغ است، حال و روز خوشی ندارد و یا افسرده است، دکتر به آنها خواندن کتابهایم را تجویز کند و آنها هم حس کنند در هنگام مطالعه، لحظات خوشی داشته اند». این مساله برای من از جوایز جشنواره‌ها و حق التالیف‌ها هم مهمتر است. دوست دارم هر کسی با خواندن کتابم بهترین احساس را تجربه کند (سلیمانی، ۱۳۹۱).

صدقی در مورد قضاوت کتابهایم خواستار این موضوع می‌باشد که بایستی مخاطب او تمامی پنج آبنبات را بخواند تا بتواند به درک درست‌تری برسد. همچنین در این خصوص بیان می‌دارد: در واقع مخاطب زمانی می‌تواند قضاوت کاملتری داشته باشد که هر ۵ جلد کتاب آبنبات و سیر وقایع آنها را بخواند. کاراکترهای من در طول زمان رفتارشان و گفتارشان دگرگون می‌گردد و تصاویر متفاوتی را نشان می‌دهند. از همه مهم‌تر دیدگاه‌هایشان هم متفاوت می‌شود و جز شخصیت محمد، بقیه افراد جامعه رفتارهای متفاوت و گاهی متناقضی از خود بروز می‌دهند. ممکن است کاراکتری که در آب نبات پسته‌ای به یک جریان سیاسی نزدیک است در کتاب بعدی به جریان دیگری نزدیک باشد. برای همین می‌گویم فعلا زود قضاوت نکنند و سیر کلی کتاب‌ها را دنبال نمایند (شریف پور، قیصری، ۱۳۹۱).

وی در مورد سه جلد باقی مانده از آبنبات‌ها بیان داشته است: فعلا «پیش‌نویس‌هایشان را تهیه کردم. یادداشت بر میدارم ولی شروع به نوشتن نکرده‌ام. سیر کلی داستان در جلد سوم برایم مشخص شده. جلد سوم آخرین جلدی است که در بجنورد اتفاق می‌افتد و بعد از آنجا خارج می‌شود». پس، ما نیز از قضاوت کلی دوری می‌کنیم و تنها یک جلد را با تمام خصوصیات آن بررسی و نگاه می‌کنیم تا چیزی در این میان از قلم نیفتد (صدقی، ۱۳۹۲).

در این قسمت به نقد رمان آب نبات هل‌دار نوشته‌ی مهرداد صدقی رمان طنز گونه که خنده را به لب‌ها می‌نشانند و علامت سوال زیادی را در ذهن ایجاد می‌کند، می‌پردازیم. شاید باید مثل اسمش آب نبات می‌بود، یعنی شیرین و خوشمزه و مناسب برای سوغات اما هر چه که بیشتر جلو می‌روی تلخی یک چیز آزارت می‌دهد و آن هم ترسیمی از فرهنگ پایین مردم در خلال داستان ... (صفایی، ادهمی، ۱۳۹۳).

در طی نقد کتاب «آبنبات هل‌دار» نوشته مهرداد صدقی می‌توان بیان داشت: استان خراسان شمالی دارای هنرمندانی با ذوق و قریحه‌ای شگفت آور می‌باشد که هر کدام به نوبه خود در بحث معرفی نمودن استان خویش از هر هنری بهره گرفته‌اند. همچنین با بررسی دقیق‌تر این کتاب می‌توان متذکر شد که کتاب آبنبات هل‌دار به معرفی فرهنگ آداب و رسوم لهجه و زبان این استان با زبان طنز اجتماعی می‌پردازد. این شاعر با بیان این که کار طنز یکی از سخت‌ترین کارها در کشور است، افزود: کار طنز روی لبه تیغ راه رفتن است و اگر طنز در رابطه با تقدسات باشد باید بیشتر مراقبت کرد. به همین دلیل به نظر می‌رسد که نوشتن طنز بسیار دشوار است (فتوحی، ۱۳۹۱).

این رمان بیان زندگی مردم از زبان نوجوانی ۱۰، ۱۱ ساله است که از دیدگاه خودش همه چیز را صادقانه و درست تعریف می‌کند. درباره پدر، مادر، خواهر برادر، مادر بزرگ فامیل‌ها، همسایه‌ها، دوستان، معلم و مدیر، مغازه‌دار و... کتاب آب نبات هل‌دار داستان نوجوانی است که تنبل و دروغگو و بد دهن است. پدر و مادر بزرگش انسان‌های عوام پول دوستی هستند. مادر بزرگ علاوه بر خصلت پول دوستی بدبین است و البته کمی هم بد جنس و... هر چه شخصیت از کوچک و بزرگ و پیر و جوان هست غالبا از لحاظ فرهنگی ضعیف است الا: برادرش محمد که او هم به قول داستان سرش پایین است و الا او هم بله... تلخی یک چیز آزارت می‌دهد. غالبا از نظر فرهنگی ضعیف است ... (قیصری، صرفی، ۱۳۸۸).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

خلاصه این که به زبان طنز به وضعیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مردم منطقه‌ای از ایران می‌پردازد و منصف هم باشیم طنز را شیرین جلو می‌برد. نویسنده در ۴۰،۵۰ صفحه ی آخر تلاش کند که همه چیز را به صلاح برساند و به خواننده بگوید که با تلاش فراوان نوجوان داستان شاگرد دوم شد و مودب و مهربان و خلاصه همه چیز به خوبی و خوشی تمام شد (نصر اصفهانی ۱۳۹۰). تنها دلیلی که باعث شده است این کتاب را انتشاراتی مثل سوره مهر چاپ و خندوانه آن را معرفی کند، قالب طنز آن است و الا ۵۰ صفحه‌ی آخر هم، ذهن را از بی‌شعوری عامه مردم پاک نمی‌کند (فهیمی، ۱۳۹۰).

۳. بررسی نقاط قوت و ضعف

در ابتدا به ناچار بر لزوم طراحی روی جلد مطابق با متن داستان، تاکید مجدد داریم. متأسفانه در سالهای اخیر به این مهم یعنی طراحی روی جلد چنان که باید و شاید اهمیت داده نمی‌شود! چرایی این مطلب باید مورد تحقیق و واکاوی قرار گیرد اما مشخص نیست که این رویکرد جدید ریشه در کدام تفکر دارد. مگر ممکن است کالایی برای عرضه گذاشته شود اما به بدترین شکل در ویتترین معرفی شود؟

آنچه که مخاطب در ابتدا با آن برخورد می‌کند طرح روی جلد کتاب می‌باشد. این طرح، باید علاوه بر جذابیت گویای متن کتاب باشد، به گونه‌ای که بتواند راهنمای خواننده و یا خریدار کتاب باشد، اما این ضرورت مد نظر دوستان طراح نیست و کتاب حاضر نیز دارای همان مشکل حاد است. کنار هم نهادن مشت‌های هل و نقل و نبات، و طراحی آن به شکلی که گویای یک طرح هندسی و یا اسلیمی باشد، چه کمکی به آشنایی یا معرفی متن کتاب به مخاطب دارد؟

- تقدیر و تشکر: نخست باید از دقت نظر نویسنده‌ی اثر، مهرداد صدقی و ویراستار آن، اکرم دژ هوست گنگ، به جهت ارائه کتابی بی‌نقص و با کمترین ایراد تایپی و نگارشی تشکر کرد و به آنان تبریک گفت. امروزه که کتابهایی با غلطهای فراوان و با بی‌دقتی در علامت‌گذاری و عدم رعایت قواعد نوشتار پارسی به وفور در بازار نشر دیده می‌شود، وجود و چاپ کتابهایی چون آبنبات هل‌دار بیشتر به معجزه شبیه است (کرد چگینی، ۱۳۸۸).
- مهرداد صدقی در خلال رمان طنز خود به دنیای پر از شیطنت، خرابکاری، عشق و سرگرمی‌های یک نوجوان می‌پردازد. او چنان با دقت و ریزبینی به این دنیای سراسر هیجان و شلوغی پا می‌گذارد که گویی تمام آنچه که بر قهرمان داستانش رفته خاطرات شخصی نویسنده است. برای کسانی که چنین دورانی را با شرایط کم بیش نزدیک به قهرمانان داستان داشته‌اند همین جزئی‌نگری و ورود به دنیای نوجوانان سبب گردیده است رمان آبنبات هل‌دار، حس هم‌ذات‌پنداری را در خواننده ایجاد کند. لازم به ذکر است، در پاره‌ای از موارد، محسن این رمان به شدت به شخصیت قصه‌های مجید نزدیک می‌شود اما آن پاکی و صداقتی که توأم با رعایت اخلاق در شخصیت مجید دیده می‌شد در شخصیت محسن بسیار کمرنگ است. همین نکات، علی‌رغم تمامی مشابهت‌ها از بارزترین وجوه تمایز دو شخصیت نامبرده محسوب می‌گردند (مجیدی و فستمی، ۱۳۹۵).
- اشارات تاریخی روایت. برخی اشارات تاریخی آن هم به چیزهایی که می‌تواند آدم‌های مسن امروز را با خاطرات دیروز پیوند بزند در این رمان گرچه کمرنگ، اما در مواردی به صورت خاص، پرنرنگتر آمده‌اند تا مخاطب را با اثر همراه کنند اشاره به سریال اوشین (ص ۳۷۵). سریالی که با دوبله‌ی قوی و تغییر هنرمندانه‌ی داستان آن توسط عوامل صدا و سیما کم مانده بود از خانم اوشین اسطوره‌ای در ایران بسازد، یکی از این موارد مهم می‌باشد (هاشمی زاده، ۱۳۹۳).

۴. اتفاقات مهم کتاب :

اشاره به کشتار حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۶ طی مناسک در عربستان.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

این مورد نیز یکی از مهمترین و قابل توجهترین مواردی می‌باشد که اشاره دارد که این رمان می‌تواند بسیار به واقعیت‌ها نزدیک باشد به گونه‌ای که حوادث تلخ تاریخی نیز در آن آورده شده است. از میان روایت‌ها و یادآوری شرایط آن روزگار که توسط مهرداد صدقی به رشته تحریر در آمده نحوه ی اعلام نتایج کنکور (صفحات ۳۴۴ و ۳۴۵)، با پرداختن به جزئیات آن تصویری پر رنگ و جذاب را به رخ کشانده است (محمدی فشارکی، ۱۳۹۳).

- از دیگر صحنه‌های به یادماندنی و پر از شوخی رمان، می‌توان به بخش خواستگاری رفتن محمد در صفحات ۳۶ تا ۴۷ و سینما رفتن محسن و دوستانش در صفحات ۱۰۳ و ۱۰۶ اشاره نمود. از این دست شیرینی‌ها می‌توان به موارد دیگری اشاره کرد که لطف آن تنها با خواندن کتاب به نمایش در می‌آید (موکه، ۱۳۸۹).
- استفاده از گویش خاص منطقه بجنورد و پانویس کردن لغات و اصطلاحات از نکات قوت این رمان می‌باشد. این کتاب می‌تواند تحت عنوان الگویی برای نویسندگانی باشد که می‌خواهند در روایت داستانی و غیر داستانی خود از گویش محلی بهره گیرند و ترس از خواننده نشدن اثر آنان را از این کار باز می‌دارد. گرچه تلاش بیشتری برای اعراب‌گذاری و یا اصلاح فونتیک، ضروری به نظر می‌رسد (میر عابدینی، ۱۳۸۶).
- یکی از نکاتی که خواننده‌ای چون نگارنده این سطور را (که دهه‌ی شصت را با همه‌ی سختی‌ها و تلخی‌هایش با گوشت و خون خود حس کرده است) کمی از متن داستان دور می‌کند ساخت فضایی است پر از شوخی و طنز و مطایبه که با حال و هوای آن روزگاران تناسب کامل ندارد و جای بحث در آن باقی است (نجف زاده بارفروش، ۱۳۷۰).
- روزگار بمباران شهرها، اوج‌گیری عملیات در مناطق مختلف مرزی، بالا رفتن آمار شهدا و جانبازان، کمبود برخی داروها و دیگر مشکلات ناشی از جنگ اگر در هر جغرافیای جهان اتفاق می‌افتاد، می‌توانست حکومت را ساقط کند و تمامی تلاشها و فعالیتها را تحت الشعاع خود قرار دهد و موجی از نگرانی، عصبیت و اعتراض را با خود به همراه داشته باشد که در ایران اسلامی با همت و صبر مردم این اتفاق نیفتاد (نیکوبخت، ۱۳۸۰).
- همه چیز تا انتها خوب پیش رفته است، اما در پایان رمان با بخش زائدی رو به رو می‌شویم که با حذف تنها یک صفحه می‌توان کتاب را نجات داد. در ص ۴۱۱، کتاب راوی (محسن) به زمان حال می‌آید یعنی زمانی که از روایت فاصله گرفته تا آنها را برای خواننده‌اش بازگو کند. نویسنده در این صفحه گرچه کوشش دارد وجه تسمیه نامگذاری کتابش را نیز بگوید، اما با فاصله گرفتن از بخشی که به صورت متواتر آمده بود شکافی بزرگ در آن ایجاد می‌کند (میرعابدینی، ۱۳۸۶).
- خواننده که از ابتدای روایت با محسن و برادرش محمد و خواهرش ملیحه همراه بوده است و از سرانجام آنها به خوبی و خوشی آگاه شده، دیگر نیازی به این جدایی و فاصله‌ی زمانی ندارد. اگر قرار است در پایان کتاب چنین نگاهی به راوی شود و او با فاصله از دیگران بگوید، پس لازم است سرانجام یکایک افراد قصه را نیز بازگو کند که این خود نیاز به زمان دیگری دارد اما باید این فرضیه مدنظر قرار گیرد که فاصله‌ی زمانی کتاب فعلی با جلد بعدی می‌تواند شکاف عمیقی ایجاد کند که کتاب بعدی یا به دست خواننده نرسد و یا ارتباط لازم را با خواننده ایجاد نکند. این عمل می‌تواند به نوعی، سبب حرام شدن کتاب پیشین شود (نبوی، ۱۳۷۹).

۵. کاف کتاب

در صفحه‌ی ۱۱۰ رمان، جایی که ملیحه خواهر محسن، گرفتار سین جیم مادرش شده، به جای نام ملیحه از مریم استفاده شده است! به متن نگاه کنید «مامان از زبان کوتاهی جوابی نداشت و فریب فرار رو به جلوی مریم را خورد. این سیاست همیشگی ملیحه برای خلع سلاح کردن طرف مقابل بود...»

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۶. بخشی از متن رمان

الان صدایش می‌کنم. گوشی را نگه داشتیم و برای اینکه خانم پشت خط نفهمد مامان از صبح کنارم بود است، الکی با صدای بلندی داد زدم «مامان بیا تلفن!» اما مامان فوراً گوشی را از دستم گرفت و شروع کرد به حرف زدن فکر می‌کردم آن خانم محترم که سر زمان داماد شدن با من شوخی کرده بود، از آشنایی است که من او را نشناخته‌ام؛ اما او مرا می‌شناسد و قصد دارد سربه سرم بگذارد ولی او ظاهراً برای خود مامان هم غریبه بود. وقتی یاد شوخی‌های رد و بدل شده افتادم کمی نگران شدم با خودم گفتم نکند من هم مزاحم تلفنی پیدا کرده‌ام و خودم خبر ندارم! نکند برایم خواستگار پیدا شده!

مامان با تعجب به من نگاه کرد. منتظر بود گوشی را از من بگیرد؛ اما خانمی که پشت خط بود، چنان مرا به حرف گرفته بود که نمی‌گذاشت گوشی را به کسی بدهم. فکر می‌کرد هنوز بچه‌ام و نمی‌فهمم که می‌خواهد از زیر زبانم راجع به خانواده‌مان حرف بکشد: بله ... هنوز گوشی دسته ...! نه ماشین پاشین نداریم ... نه، متراژ خانه‌مان که نمیدانم؛ ولی خیلی بزرگه... گفتم که اسمم محسنه ...! بله ...؟ نه، سوم راهنمایی‌ام... هنوز که برام زوده، ایشالا سی سالگی؛ شاید هیچ وقت ...! بله می‌دانم شوخی کردین؛ منم شوخی کردم ... اتفاقاً منم شوخی کردم که شوخی کردم ...! چشم، خیلی بیخشین.

یادم آمد دو سه روز قبل توی صف نانوائی، برای یک پیرزن که نمی‌توانست توی صف بایستد، دو تا نان گرفتم و او هم گفت «اوغل جان، تو چی خوب پسری هستی!» همان جا هم احساس کردم طور خاصی به من نگاه می‌کند. نکند با همان نگاه، یک دل نه صد دل، برای نوه‌اش عاشق من شده و مرا برای او زیر نظر نگاه گرفته است؟ نکند شماره تلفنم را از طریق نانوائی گیر آورده است؟

برای اینکه ارتباطات فامیلی حفظ شود، شنبه‌ها به خانه آقا برات می‌رفتیم و سریال اوشین را دور هم نگاه می‌کردیم. البته حفظ ارتباطات فامیلی بهانه بود و بیشتر به این دلیل رفتیم تا با تلویزیون رنگی محمد سریال را ببینیم. معمولاً نیم ساعت زودتر می‌رفتیم تا تلویزیون را از توی کارتن بسته بندی اش در بیاوریم.

بعد از سریال هم دوباره تلویزیون را مثل حالت اولش توی کارتن قرار می‌دادیم تا وقتی که محمد می‌آید به نظر نو برسد. حین تماشای سریال اوشین قیافه‌ی بی‌بی از خود سریال تماشایی‌تر و جذاب‌تر می‌شد. چون تلویزیون را او خریده بود با افتخار و غرور به تلویزیون نگاه کرد و هر پنج دقیقه یک بار، مثل پیام بازرگانی، از روزی که غلام علی را برای خرید فرستاده بود برایمان خاطره تعریف می‌کرد و ما هم از خدا خواسته لحظات شیرین و دل انگیزی را دور هم سپری می‌کردیم.

۷. نتیجه‌گیری

در زیر پوست رمان، روایت جنگ و تبعات آن جاری می‌باشد. مهرداد صدقی با روایت داستان خود به بخشی از تاریخ این سرزمین اشاره می‌نماید که صحنه‌های تلخ و شیرین بسیاری را داشت و در یادها ماندگار شد. عناصر ایجاد حس نوستالژیک و نام‌های تاثیرگذار دهه‌ی شصت در این رمان به کار گرفته شده بودند تا کتاب علاوه بر مخاطب نوجوان و جوانان سالهای دور را نیز به خود جذب کند. اسامی کارتون‌ها سریال‌ها فیلم‌های پرفروش و ... همه در خدمت چنین تفکری قرار گرفته اند (عبدزاده ۱۳۹۷).

صدقی موفق شده است با کمک نوجوان پر جنب‌وجوش قصه، چنان خواننده را با خود همراه و همگام سازد که هر لحظه منتظر خرابکاری تازه‌ای از او باشد. در پایان داستان، ظاهراً این عاقل شدن راوی است که به قصه‌ی این کتاب پایان می‌دهد و در غیر این صورت باید همچنان منتظر می‌ماندیم تا شیرین کاری‌های دیگری از محسن سر بزنند. تلاش نویسنده برای در هم آمیختن طنز و مطالبه با روایت روزهای تلخ این سرزمین، ستودنی و شایان توجه می‌باشد، اما از سوی دیگر باید این مهم را در نظر گرفت که این آمیختگی، تأثیر غلط تصویرسازی نادرست از وقایع آن دوران در ذهن خوانندگان فعلی نگردد. خطر فراموشی و استحاله‌ی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مقاومت جانانه‌ی ملت ایران در برابر تمامی ناملایمات، کمبودها، آوارگی شهاده‌ها و بحرانهای اقتصادی آن چنان وسیع و گسترده می‌باشد که همه باید در صدد مراقبت از آن باشیم. این وظیفه‌ی عمومی، یعنی محافظت از فراموش نکردن همان مقاومت‌های مردمی باید در صدر وظایف اصحاب قلم و اندیشه قرار گیرد (سزاوار ۱۳۹۷).

مهرداد صدقی با مزده‌ی استمرار چاپ نسخه‌های بعدی آبنبات، به ما این اطمینان را می‌دهد که شوخی و طنز قلم او هنوز با این رمان ته نکشیده و همچنان در خورجین خود، مشتی از آنها را برای روز مبادا نگه داشته است. ما نیز مشتاقانه منتظر خواندن کتابهای دیگر او خواهیم ماند اگر بودجه‌ی اقتصادی ما به خرید بسته‌های آبنبات صدقی برسد و اگر شیرینی آنها ما را دچار دیابت نسازد (اندوهجردی ۱۳۹۰).

منابع و مراجع

۱. اسدیپور، بیژن و عمران صلاحی (۱۳۷۶) طنزآوران امروز ایران تهران: مروارید.
۲. اصلانی، محمدرضا (۱۳۸۵) فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز تهران کاروان.
۳. اکرمی محمدرضا و محدثه پیشوایی (۱۳۸۹) نقدی بر آثار طنز عمران صلاحی از منظر تنوع قالبها تهران: پژوهشهای نقد ادبی و سبک شناسی پیش شماره یک، صص ۵۷-۲۹، برگسون هنری (۱۳۷۹). خنده ترجمه عباس میرباقری تهران: انتشارات شبابویز.
۴. بهره مند، زهرا (۱۳۸۹). آبرونی و تفاوت آن با طنز و صنایع بلاغی مشابه زبان و ادب پارسی، شماره ۴۵، صص ۳۶-۹.
۵. بهزادی اندوهجردی و مریم شاد محمدی (۱۳۹۰) ساز و کارهای طنز آفرینی در داستانهای کوتاه جلال آل احمد، هرمزگان دانشگاه آزاد بوشهر فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، شماره پیاپی دهم، صص ۲۰۲-۱۷۳.
۶. بهزادی اندوهجردی حسین (۱۳۷۸) طنز و طنز پردازی در ایران تهران: صدوق.
۷. توکلی جعفر (۱۳۹۵) طنز در ادبیات نمایشی دفاع مقدس با نگاهی به آثار علیرضا نادری پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران مرکز.
۸. جابری اردکانی سید ناصر حسینی، اسما (۱۳۹۴). شیوه طنز پردازی در دو اثر از اکبر صحرائی کرمان: نشریه ادبیات پایداریف سال هفتم شماره دوازدهم، صص ۸۱-۶۱.
۹. جواد، حسن (۱۳۸۴). تاریخ طنز در ادبیات فارسی تهران کاروان.
۱۰. حری، ابو الفضل (۱۳۸۷). درباره طنز. تهران: سوره مهر.
۱۱. حسام پور، سعید؛ دهقانان، جواد خاوری، صدیقه. (۱۳۹۰). بررسی تکنیکهای طنز و مطایبه در آثار هوشنگ مرادی کرمانی مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، سال دوم، شماره اول، صص ۱۱۴-۶۱.
۱۲. حسنی، محمدحسین، (۱۳۹۱) بررسی تکنیکهای طنز در رمان دایی جان ناپلئون پایان نامه کارشناسی ارشد. هرمزگان: پردیس دانشگاه قشم.
۱۳. سزاوار، علیرضا (۱۳۹۷) شکل شناسی طنز بر اساس نظریه فونازی در آثار کودک و نوجوان رساله دکتری دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۴. سلیمانی محسن (۱۳۹۱) اسرار و ابزار طنزنویسی تهران سوره مهر.
۱۵. شریف پور، عنایت الله، قیصری، عبدالرضا. (۱۳۹۱). بررسی مضامین طنز در خاطره نوشته های دفاع مقدس کرمان نشریه ادبیات پایداری سال، ششم شماره یازدهم، صص ۲۰۹-۲۳۶.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱۶. صدقی، مهرداد (۱۳۹۲) آبنبات هل دار. تهران: سوره مهر.
۱۷. صفایی علی ادهمی حسین (۱۳۹۳) نمود تکنیکهای طنز در ساختار پیرنگ داستانهای فرهاد حسن زاده تهران فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی شماره سی و دوم، صص ۱۶۶-۱۱۹.
۱۸. فتوحی، محمود (۱۳۹۱) سبک شناسی نظریه ها. تهران: انتشارات سخن.
۱۹. قیصری، عبدالرضا، صرفی محمدرضا. (۱۳۸۸) طنز در کتاب جنگ دوست داشتنی کرمان نشریه ادبیات پایداری سال اول شماره اول، صص ۱۲۵-۱۱۳.
۲۰. کرد چگینی، فاطمه (۱۳۸۸). شکل دیگر خندیدن مجموعه مقالات کتاب طنز ۵. تهران: سوره مهر.
۲۱. کریچلی، سیمون (۱۳۸۴). در باب طنز ترجمه، سمی سهیل تهران ققنوس.
۲۲. مجیدی فشمی، امیر (۱۳۹۵) تحلیل مقایسه‌های طنز نوجوان در آثار داستانی فرهاد حسن زاده و سید سعید هاشمی پایان نامه کارشناسی ارشد رشت دانشگاه گیلان.
۲۳. محمدی فشارکی محسن هاشمی زاده رؤیا (۱۳۹۳) تحلیل داستان گدای ساعدی بر اساس اصول و ویژگیهای مکتب اگزیستانسیالیسم تهران متن پژوهش، ادبی سال ۱۸. شماره ۶۰، صص ۱۲۴-۱۰۵.
۲۴. موکه داگلاس، کالین (۱۳۸۹) آبرونی ترجمه حسن افشار تهران: مرکز.
۲۵. مونس عبدیزاده (۱۳۹۷). بررسی آبرونی در آثار اکبر صحرایی و داود امیریان پایان نامه کارشناسی ارشد. بوشهر دانشگاه خلیج فارس.
۲۶. میرعابدینی حسن (۱۳۸۶) صد سال داستان نویسی ایران جلد ۳ و ۴. تهران: نشر چشمه.
۲۷. نبوی سید ابراهیم (۱۳۷۹) کاوشی در طنز ایران جلد اول و دوم. تهران: جامعه ایرانیان.
۲۸. نجف زاده بارفروش محمد، فرحیان، مرتضی (۱۳۷۰) طنز سرایان ایران از مشروطه تا انقلاب جلد ۳ تهران بنیاد.
۲۹. نصر اصفهانی محمدرضا فهیمی، رضا (۱۳۹۰) نگاهی به طنز اجتماعی در دو اثر از آنتوان چخوف و صادق هدایت تهران پژوهشهای زبان و ادبیات تطبیقی، دوره دوم شماره سوم، صص ۸۵-۱۰۷.
۳۰. نیکویخت، ناصر (۱۳۸۰). هجو در شعر فارسی تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

پیوست

توضیحی در خصوص نویسنده کتاب

مهرداد صدقی طنزنویس بجنوردی متولد سال ۱۳۵۶ است. مهر مرداد در سال ۷۵ در رشته صنایع چوب و کاغذ دانشگاه گرگان پذیرفته شد و در همین دانشگاه مقاطع ارشد و دکترا خود را پشت سر گذاشت. صدقی طنزنویسی را در دوران تحصیل آغاز کرد اولین اثر منتشر شده از این نویسنده جوان به اولین جشنواره طنز دانشجویان در سال ۷۹ باز می‌گردد. اولین کتاب صدقی با عنوان نقطه ته خط منتشر شد اما اغلب او را با کتاب آبنبات هلدار میشناسند. از دیگر آثار این نویسنده می‌توان به مغز نوشته های یک جنین، مغز نوشته‌های یک نوزاد، رقص با گربه‌ها، تعلیمات غیر اجتماعی، آبنبات پسته‌ای و میرزا روبات، اشاره کرد (جوادی، ۱۳۸۴).

فهرست کتاب آبنبات هل دار

- خواستگاری.
- کارت اضافی.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- پلاک دوازده به علاوه یک.
- بفرمایید حلیم.
- عقاب و لاشخورها.
- از سر نو قزل خانوم!
- آب دادن دسته.
- روز رفتن.
- نامه.
- عمل و عکس العمل!
- چله چخده بهار گلده.
- بوی عید...
- غروب سیزده.
- خیانت در خیانت
- قدم نو رسیده.
- روز خوب روز بد.
- بش قارداش.
- چند درس خال نزدیک.
- اولین موزی که نخوردم.
- معتاد
- کیش و مات.
- خانم اوشین، آقای دلار.
- چشم داشت.
- اولین موزی که خوردم.
- از نگاه یاران.